

با ارزش تر از آزادی؟!

شهید مطهری تعبیری دارد در کتاب‌هایش که آیت‌الله مصباح در بحث‌های راجع به فلسفه حق و اخلاق، آن‌را به زیبایی پرورانده و منطقی آن‌را پیش برده‌اند و آن یک نوع مچ‌گیری تئوریک است.

حرف ایشان این است که چرا غرب، در حوزه منافع مادی، الزام را جائز می‌داند؟ به‌عنوان مثال می‌گویند بهداشت اجباری، ویروس سارس یا ایدز می‌آید، آزادی و اختیار فردی و حقوق بشر و دلم می‌خواهد و دلم نمی‌خواهد و از این حرف‌ها نداریم، باید واکسینه بشوی، باید قرنطینه بشوی، به فلان کشور حق سفر نداری و... سربازی را اجباری می‌کنند، برای این که امنیت مادی برای‌شان محترم است، آزادی افراد را سلب می‌کنند و به او می‌گویند باید چندسال اجباری بروی، هرچه قدر هم بگویی که من آمادگی ندارم و کف پایم صاف است، فایده ندارد.

بحث امنیت اجتماعی و سود محسوس مادی است برای همین آزادی و اندیویجوالیسم و مدارا و تسامح و تساهل نداریم! آموزش اجباری! باید بچه‌هایتان بگذارید درس بخوانند...

تا این جایش را همه می‌فهمند که یک ارزش‌هایی وجود دارد که بالاتر از آزادی است و همه دنیا این‌را قبول دارند. برای همین است که می‌گویند ارزش امنیت از آزادی بالاتر است. برای همین باید بروی سربازی، ارزش سلامتی از آزادی بیشتر است، برای همین باید این واکسن را بزنی. مگر این الزام‌ها و قوانین معنی‌اش این نیست که یک چیزهایی ارزش‌اش از آزادی بیشتر است؟

اما تا نوبت به مفاهیم ارزشی و مباحث اخلاقی می‌رسد، یک مرتبه همه آزادی‌خواه می‌شوند و می‌گویند به چه حقی آزادی انسان‌ها را محدود می‌کنید؟!

آزادی عقیده را چرا محدود می‌کنید؟! آزادی بیان را چرا محدود می‌کنید؟! وقتی نوبت بهداشت و امنیت و آموزش است، شدیدترین دیکتاتوری‌ها موجه است؟ ما اشکالی هم به آن نداریم، باید هم این‌طور باشد اما چرا وقتی نوبت به اخلاق و دین و توحید می‌رسد، یک مرتبه آزادی ارزش و اعتبار پیدا می‌کند؟!

استاد رحیم پور ازغدی " آزادی برای آزادی؟ " سال ۱۳۸۳